

شتر

روزنامه

صدها پرنده مهاجر در محدوده تالاب میانکاله تلف شدند. عملیات پایش و جمع‌آوری آنها توسط نیروهای محیط زیست و دامپزشکی انجام شد.
عکس: مهدی محبی‌پور، میزان **نور نوشت** 📷



سابقه-۶

ما چگونه انسانی هستیم؟



✪ **تورج مابری‌وند**

فردریش شیلر، فیلسوف کانتی قرن هجدهم، در کتاب مهم خود «نامه‌هایی در تربیت زیباشناختی انسان»، در انتهای نامه چهارم نوشته: «ممکن است انسان به دو شیوه روبه‌رو شود؛ یکی شیوه انسان وحشی که احساساتش بر اصول چیره است، یا شیوه انسان بربر که اصولش احساسات وی را ناچیز می‌گیرد.»

بر پایه نظر شیلر، آیا می‌توان انسان وحشی و انسان بربر را امروز پیدا کرد؟ این متن در پارکراف انتهایی نامه است و توضیحی مصداقی درباره انسان وحشی و انسان بربر نیاورده؛ اما پیش از این پاراگراف از یک طرف درباره ضرورت اخلاقی و تکلیف و عقل نوشته و از سوییی دیگر درباره تمایل و ضرورت طبیعی و غریزه

و گفته اراده انسان میان این دو در نوسان است. شیلر بحث کرده که باید اجازه داد هر دو اینها به یک میزان در یک انسان نقش داشته باشند و توجیه یکی از اینها به دیگری یک ناسایی فرهنگی به جای خواهد گذاشت.

اگر در انسانی فقط تمایل و ضرورت طبیعی و انسانی غریزه باشد، نتیجه می‌شود انسانی وحشی؛ انسانی که فکر نمی‌کند، به هر آنچه تمایلی غریزی داشته باشد عمل می‌کند، به ضرورت و ملاحظه اخلاقی قائل نیست. انسان وحشی هر آنچه در دایره امکان دارد، جامه عمل می‌پوشاند. انسان وحشی سهل‌انگاری اخلاقی دارد، به هیچ چیز نفع خود نمی‌اندیشد

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ • ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۴ فوریه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۲۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۴

اذان صبح فردا ۵:۳۶ • طلوع آفتاب ۷:۰۱

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا

در میان تمامی اخبار غمباری که به قول مرحوم

اخوان‌تالت، چون «پَشْکَئِن‌های پلیدی» از هر سو بر ما آوار می‌شود، شنیدن یک خبر فرهنگی خوب، آبی است بر آتش حرمان و حسرت‌هایی که این روزها دچارش هستیم و فراهم‌آوردن اسباب خرسندی و ابتهاجی هرچند خُرد و کوتاه برای لحظات پر ادبار این روزها. ۲۵ آذرماه گذشته داود موسایی، مدیر فرهیخته انتشارات فرهنگ معاصر، به دلیل عمری خدمات فرهنگی جایزه آفیسیه (officer) را از دست سفیر فرانسه (آقای فلیپ تیه‌پو) دریافت کرد؛ نشانی که ۱۰ سال قبل رده شوالیه آن را گرفته بود. با شناختی که از آقای موسایی داشتم و دارم، می‌دانستم او اهل بانگزدن این جایزه در رسانه و کوی و برزن نیست. ۱۰ سال قبل هم که چنین جایزه‌ای نصیب او شده بود، چنین نکرد. با وجود آنکه نگارنده شاهد بود که استاد زنده‌یاد عبدالرحیم جعفری (بنیان‌گذار انتشارات امیرکبیر) با تأکید بر اهمیت این جایزه برای نشر ایران و توصیه‌اش به آقای موسایی برای دست‌کشیدن از فروتنی بیش از حد، به او گفت: این توفیق و جایزه برای شخص شما نیست؛ این توفیقی است که نصیب نشر کشور شده است و باید به اندازه شان و قُربش برای آن تبلیغات شود؛ اما آقای موسایی گوش نکرد و ترجیح داد موضوع پنهان بماند. حتی بسیار ساده این جایزه را گرفت؛ درحالی‌که سفیر به او گفت می‌تواند مراسمی باشکوه برای آن با هزینه اهداکنندگان جایزه ترتیب دهد، آقای موسایی ترجیح داد تنها خود باشد و همسر و دخترشان. اکنون اگر استاد جعفری در

اتفاق

افتخار دیگری برای ناشر ایرانی



✪ **سید ابوالحسن مختاباد**

قید حیات بودند، احتمالاً بار دیگر هم آقای موسایی را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دادند که چرا چنین دست‌کم گرفته است این توفیق بزرگ را. توفیق بزرگ از این جهت که این نخستین‌بار است که یک ناشر ایرانی دو بار جایزه شوالیه را دریافت می‌کند که تاآنجایی‌که نگارنده در خاطر دارد، نه‌تنها در نشر ایران بلکه در بخش‌های دیگر فرهنگی هم امری کم‌سابقه است. پرسش این است که چرا ناشری همچون فرهنگ معاصر واجد چنین جایزه‌ای شده است؟ من که روزنامه‌نگار حوزه نشر بودم و هشتم و مسائل این حوزه را حداقل در ربع قرن اخیر دنبال کرده و می‌کنم، بر این باورم کاری که آقای موسایی و مجموعه فرهنگ معاصر در زمینه فرهنگ‌های عمومی و تخصصی دوزبانه انجام داده‌اند، چه در قبل و چه در بعد از انقلاب، نه نمونه دولتی دارد و نه نمونه خصوصی. اگر در بخش خصوصی ناشرانی بودند که کارهایی در زمینه فرهنگ و کتاب‌های مرجع انجام دادند، چه از نظر حجم و چه تعداد عناوین و چه از نظر کیفیت و محتوا به دامنه‌های قله بلندی که فرهنگ معاصر فتح کرده است نیز نرسیده‌اند.

برخی از این فرهنگ‌ها انصافاً مبتکرانه و کاربردی هستند؛ از جمله مجموعه فرهنگ‌های پویا که زیر نظر استاد محمدرضا باطنی فراهم آمده است و

صاف و ساده

جای خالی ترازوی آرمان‌سنج

کشوری می‌شدیم. همه کمک‌حال هم بودند و فقر ریشه‌کن شده بود. جرم و جنایت هر سال کم و زندان‌ها خالی‌تر می‌شد. آزادی اندیشه و جدال احسن برقرار و رسانه‌ها، مکانی برای عرضه نظرات و افکار مختلف بود.

اکنون که به گذشته می‌نگرم، هر سال بیشتر از قبل، از آن تصویر ذهنی مطلوب دور شده‌ایم. شاید بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی، همان که در سال ۵۷ به مردم وعده دادیم، گرفتارماندن در شعارهای به‌ارت‌مانده از مارکسیست‌ها بوده است. البته ما گرفتار شعارزدگی سوسیالیستی هستیم، نه خود سوسیالیسم. ما راهنما به سمت سوسیالیسم زدیم و به سمت لیبرالیسم و نئولیبرالیسم پیش‌چیدیم؛ آن‌هم ناقص. الگوهای مدیریتی ما در لایوچینی و کتمان و بدون صراحت بود. عدالت‌خواهی تنها در سطح شعار باقی ماند، ما به ترازویی برای سنجیدن شعارها نیاز داریم؛ به سنجیدن شعارهای اصلی انقلاب؛ استقلال و آزادی. توزیع فقر هم حتی به برابری صورت نگرفت. ما دچار یک تشدد سیاست‌گذاری از ابتدا تا امروز هستیم؛ نه شرقی نه غربی، امر بین‌الامرین. بنابراین باید کارنامه یا ترازو را در نسبت آرمان‌ها و شعارهای اول انقلاب تعریف کنیم.

حرف آخر اینکه رسانه‌ها نماینده مردم هستند و باید مطالبه‌گر باشند و دهه فجر را به صحنه کارنامه و یادآوری وعده‌های صدر انقلاب بدل کنند. چنین نباشد که مدیران مدام نان و شعار به خورد مردم دهند و آخرش مردم بمانند با شمتی شعار و کشوری بازمانده از پیشرفت. راستی قیامتی که پدرم به می‌کرد، ما را درس‌خوان کرد. رسانه‌ها هم قیامتی برپا کنند و ترازویی برای سنجش آرمان‌ها.

روزگار کرونایی

امپراتوری کرونا در ژاپن

بیمارستان در خانه مانده‌اند، در ششم ژانویه ۱۷هزارو ۴۷۰ نفر بودند و دو هفته بعدد دو برابر شدند. برخی از استان‌ها اقدامات مختلفی را برای شناسایی نشانه‌های وخیم‌ترشدن حال افرادی که در خانه قرنطینه هستند، اتخاذ کرده‌اند. این مراحل شامل امانت‌دادن تجهیزات به آنها برای تعیین سطح آسکیزن خونشان است. در برخی مناطق نیز خط تلفن مستقیم به پزشکان یا پرستاران به‌صورت شبانه‌روزی در دسترس است. اما بعضی بیمارستان‌ها گفته‌اند دیگر فرصت ندارند روزی دو بار به بیماران در خانه زنگ بزنند و بپیکر حال آنها باشند. به نظر می‌رسد حتی کشوری مثل ژاپن که به برنامه‌ریزی و دقت مشهور بود، این بار در برابر کرونا کم آورده است و مردمش لحظاتی را تجربه می‌کنند که بسیاری از کشورهای کم‌درآمدتر و کم‌تربشرفته، پشت سر گذاشته‌اند.



✪ **قادر باستانی**
✪ **پژوهشگر ارتباطات و رسانه**

پدر من مرد سخت‌گیری بود. فرزند نُهم خانواده بودم و خوب درس می‌خواندم. قدیم سال تحصیلی که به پایان می‌رسید و کارنامه‌ها را می‌دادند، خانه ما قیامت گیری برپا می‌شد و ناله و زاری و التماس مغضوبان به هوا برمی‌خاست. باید اعتراف کنم بزرگ‌ترین انگیزه‌ام برای درس خواندن و کسب کارنامه درست، هراس از همین روز جزا بود! پدرم مرا که شاگرد اول می‌شدم تشویق نمی‌کرد، ولی تنبیه‌نکردن. برایم حکم شیرین‌ترین تشویق را داشت.

کاش در سالگرد پیروزی انقلاب، کسی بود و کارنامه می‌داد و کسی هم مثل پدر من، مقصران را بازخواست و مؤاخذه می‌کرد. ظرفی می‌گفت اگر آمارهایی را که مسئولان در سالیان گذشته، از موفقیت‌های خود داده‌اند، جمع‌آوری و گزارش کنند، لابد ما باید در ردیف پیشرفته‌ترین و موفق‌ترین کشورهای دنیا بوده باشیم. در زمان پهلوی، سه گروه عمده ضد رژیم و برای براندازی مبارزه می‌کردند. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گروه، مارکسیست‌ها بودند. آنها متأثر از انقلاب‌های کمونیستی در سراسر جهان، برای زحمتکشان مستعبد، سینه سپر کرده بودند و جان‌برگف در حال ستیز بودند. بیشترین زندانی‌های سیاسی و اعدامی از همین گروه بودند. گروه دوم، صدقی‌ها و ملی‌گراها را شامل می‌شد که بعد از کودتای ۲۸ مرداد، کسب مجدد قدرت را در سر داشتند، اما کم‌تعداد بودند و مثل چپ‌ها، سودای تیرباران شدن نداشتند. گروه سوم،

این روزها اسم شهر توکیو و کشور ژاپن زیاد شنیده می‌شود؛ به واسطه تصمیم برای برگزاری المپیک در سال ۲۰۲۱. المپیکی که قرار بود تابستان امسال برگزار شود اما کرونا اجازه نداد. حالا یکی از خبرنگاران ایرانی مستقر در ژاپن از اتفاقی دیگر نوشته است و خبر داده که اولین سرایت گروهی نسخه جدید ویروس کرونا در همسایگی توکیو پیدا شد. تعداد مبتلایان کاهش چندانی نشان نداده و ۷۰ درصد تخت‌های کرونایی تا هفته گذشته اشغال بوده‌اند و برخی از بیمارستان‌ها پر شده‌اند. به نظر می‌آید ژاپن که در سال گذشته وضع نسبتاً خوبی داشته، حالا دارد دوران سخت و حساسی را تجربه می‌کند. تعداد جان‌باختگان کرونا در یک سال گذشته در ژاپن حدود پنج‌هزارو ۷۰۰ نفر بوده است که فقط هزارو ۴۰۰ نفر آنها (حدود یک‌چهارم) در دو هفته گذشته فوت کرده‌اند. مردم خسته شده‌اند

بسیاری از بیمارستان‌ها از پذیرش بیمار جدید خودداری می‌کنند و مبتلایان مجبور به خودقرنطینگی شده‌اند. مبتلایان ژاپن که به‌جای